

فصل نامه علمی تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)

دوره ۱۲، پیاپی شماره ۴۴، تابستان ۱۳۹۹، صص ۲۰۵ تا ۲۳۳

تاریخ دریافت: ۹۸/۵/۲۸، تاریخ پذیرش: ۹۹/۱/۲۴

بررسی کاربردشناسی کنش‌های گفتاری در باب شیر و گاوِ کلیله و دمنه

بر اساس نظریه پلاچیک

مهدی طاهری اصل^۱، دکتر علیرضا نبی لو^۲



چکیده

در این مقاله به بررسی و تحلیل کاربردشناسی کنش‌های گفتاری باب شیر و گاوِ کلیله و دمنه و رابطه آنها با احساسات و عواطف بر اساس نظریه پلاچیک (غم و شادی، خشم و ترس، اعتماد و تنفر، تعجب و پیش بینی) پرداخته شده است که برای رسیدن به اهداف منظورشناسانه این اثر، بسیار مفید است. نویسندگان ضمن بیان مقدماتی درباره کاربردشناسی، کنش‌های گفتاری دیالوگ‌های چهار شخصیت اصلی را با رویکرد پلاچیک (Plutchick) مورد بررسی قرار داده‌اند. یافته‌ها حاکی از آن است که علی‌رغم بسامد بالای کنش‌های اظهاری و ترغیبی، هیجان‌ات و احساسات متنوع دیگری به خواننده انتقال پیدا می‌کند. در این بین، اکثر پاره گفتارهای دمنه در قالب کنش گفتاری ترغیبی بیان شده است که با هیجان امید آغاز می‌شود و با ریا ادامه پیدا می‌کند و با انزجار پایان می‌یابد. پاره گفتارهای کلیله بیشتر در قالب کنش‌های ترغیبی مطرح شده است که با احساس احتیاط آغاز می‌شود و با هیجان غم پایان می‌یابد. همچنین پاره گفتارهای شیر در قالب کنش‌های اظهاری بیان شده است که با احساس هراس آغاز می‌شود و با هیجان احساس گناه پایان می‌یابد و در نهایت پاره گفتارهای گاو است که در قالب کنش‌های اظهاری مطرح شده و در قالب هیجان ترس آغاز می‌شود و با تقدیرگرایی پایان می‌یابد.

واژه‌های کلیدی: کاربرد شناسی، کنش‌های گفتاری، کلیله و دمنه، نظریه هیجانی، پلاچیک.

مقدمه

در مقاله حاضر می‌کوشیم با استفاده از نگاهی روانشناختی، کنش‌های گفتاری موجود را در کلام شخصیت‌های داستان شیر و گاو مورد بررسی قرار دهیم، تلفیق این دو دیدگاه یعنی کنش‌گفتاری و نظریه هیجانی پلاچیک (Plutchick) به درک منظورشناسانه عمیق‌تری از متن می‌انجامد. گفتنی است که در سبک‌شناسی کاربردی، تفاوت میان زبان و ادبیات که اساس کار سبک‌شناسی فرمالیستی است مورد تردید قرار می‌گیرد.

تحلیلگر سبک‌شناسی کاربردی بر این باور است که بسیاری از مجازها و استعاره‌ها و ابهام‌های متن ادبی را می‌توان با تحلیل‌های زبان‌شناختی توضیح داد حتی می‌توان نشان داد که مجازها و استعاره‌ها چگونه کار انجام می‌دهند.

شیوه‌هایی هست که از طریق آنها ما زبان عادی و روزمره را برای تفسیر سخن ادبی به کار می‌بریم هر چند انتقاداتی به کاربرد مباحث کاربردشناسی وارد است اما همچنان در شناخت بهتر نثرهای ادبی، شیوه‌ای نو و مدرن است که بنا را بر شناخت بهتر متن مبتنی بر بافت قرار داده است. منظورشناسی یکی از حوزه‌های زبان‌شناسی است که به بحث درباره تأثیر بافت بر معنا می‌پردازد. نظریه کنش‌گفتاری یکی از مباحث مهم تحلیل‌گفتمان در حوزه دانش زبان‌شناسی به شمار می‌رود که در آغاز توسط آستین (Austin) مطرح شد و پس از او سرل طبقه‌بندی پنج‌گانه‌ای را برای آن ارائه داد. پایه کنش‌گفتاری سرل (Searl) بر این استوار است که نقش‌های فعل و به دنبال آن جمله را در فرآیند گفتمان می‌توان به پنج دسته کنش‌های اظهاری، عاطفی، ترغیبی، تعهدی و اعلامی تقسیم کرد.

هدف از کنش اظهاری توصیف حالت یا حادثه‌ای است که گوینده عقیده خود را درباره درستی و نادرستی یک مطلب اظهار می‌کند. کنش ترغیبی به آن دسته از کنش‌های گفتاری اطلاق می‌شود که مخاطب را جهت انجام کاری ترغیب می‌کند و او را در حالت تکلیف و اجبار برای انجام عملی قرار می‌دهد. کنش تعهدی شامل کنش‌های گفتاری می‌شود که گوینده را نسبت به سیر اعمالی متعهد می‌کند.

کنش عاطفی نیز شامل کنش‌هایی است که احساسات گوینده و حالات روانی او را بیان می‌کند. کنش اعلامی نیز شامل کنش‌های گفتاری است که به محض بیان آنها در جهان

بیرون تغییراتی واقعی ایجاد می‌شود. برای تفسیر دقیق کنش‌های گفتاری اغلب تحلیل‌گران معتقد به کاربرد نظامی تجربی و شناختی هستند که به واسطه آن می‌توان هیجان‌ات پاره گفتارهای موجود در متن را به خوبی شناسایی کرد. پلاچیک (Plutchick) برای نمایش هیجان‌های مختلف، یک چرخ هیجانی ایجاد کرد. وی ابتدا الگوی سه بعدی مخروطی شکل یا مدل دو بعدی دایره‌ای شکل خود را برای نحوه ارتباط هیجان‌ها پیشنهاد کرد و هشت هیجان اولیه دو قطبی را مطرح کرد: شادی و غم، خشم و ترس، اعتماد و انزجار و نهایتاً تعجب و پیش‌بینی؛ همچنین امکان ترکیب آنها برای ایجاد هیجان‌های دیگر را مورد توجه قرار داد.

پیشینه تحقیق

با توجه به اهمیت کتاب کلیله و دمنه، این اثر در حوزه‌های مختلفی مورد بررسی قرار گرفته است. حوزه کاربردشناسی نیز از مهمترین حوزه‌هایی است که ضرورت دارد که در کلیله و دمنه مورد توجه قرار گیرد. از مهمترین کارهایی که در این حوزه درباره کلیله و دمنه انجام شده است مقاله‌ای است با عنوان «درخت نخل، زبان و قدرت آگاهی»^۱ (مزیدی، ۲۰۱۰) که مزیدی با رویکردی کاربردشناسی موضوع متن پریشی^۲ را مورد بررسی قرار داده است. همچنین مقاله «بررسی تاثیر تعلیمی معنای ضمنی و صریح افعال در کلیله و دمنه و مقامات حمیدی» (شیبانی مقدم، ۱۳۹۴) و مقاله «تحلیل سبک‌شناسی عبارت‌های فعلی کلیله و دمنه با رویکرد کاربردگرا» (شیبانی مقدم و زهرا بیگم محسنی پورکلهرودی، ۱۳۹۴)، که بیشتر در حوزه دستوری و معنا شناختی، نثر کلیله و دمنه را مورد بررسی قرار داده‌اند. آنچه که مقاله حاضر را از آثار مشابه، ممتاز می‌نماید انتخاب همزمان دیدگاه روانشناسی و کاربردشناسی برای تحلیل اثر مذکور است که به شناخت هرچه بهتر مخاطب از کلام و احساس شخصیت‌های داستان یاری می‌رساند.

روش تحقیق

این پژوهش نوعی نقد کاربردشناختی است که در آن از روش تحلیل محتوا برای دستیابی به نتیجه بهره گرفته شده است.

^۱.Date-palms, language and the power of knowledge

^۲.Contextomy

مبانی تحقیق

اگرچه «مطالعه زبان در بافت» تعریفی عام از کاربردشناسی در بین محققان است اما هنوز دیدگاه‌های مختلفی نسبت به مقوله مذکور وجود دارد. برخی از کاربردشناسان آن را مطالعه ارتباط در زبان می‌نامند برخی دیگر آن را مطالعه زبان فراتر از عملکردهای ارتباطی زبان می‌دانند. ویلسون در این باره اعتقاد دارد که کاربردشناسی گاهی به عنوان مقوله‌ای فلسفی تعریف می‌شود و گاهی کد گذاری کردن جملات خطاب می‌شود. گاهی مقوله‌ای زبان‌شناسی و گاهی هم مقوله‌ای روانشناسی خطاب می‌گردد. (Allot, 2010:1) اما به طور کلی کاربردشناسی بافت با دریافت معنی ارتباط پیدا می‌کند در واقع «کاربرد شناسی بیشتر با تحلیل منظور افراد از پاره گفتارهایشان سروکار دارد تا با معنی خود کلمات یا عباراتی که به کار می‌روند.» (یول، ۱۳۸۵: ۱۱).

اهمیت کنش‌های گفتاری در بررسی آثار ادبی بر کسی پوشیده نیست، این بدان سبب است که مبنای متون داستانی بر گفتگو است (Burke, 2014:11) چون سبک شناسان سبک را مبتنی بر مطالعه چگونگی ادای کلام می‌دانند (Abrams, 2000:203) لذا کنش های گفتاری اهمیت بسزایی در مطالعات سبک شناسی بالاخص دیدگاه‌های شخصیت‌های یک اثر داستانی پیدا می‌کند. پلاچیک (Plutchick).

اولین بار در سال ۱۹۸۰ مدل مخروطی (سه بعدی) یا مدل چرخشی (دو بعدی) را در جهت توضیح نحوه ارتباط هیجان‌ها ارائه کرد. این نظریه در راستای ایجاد مبنایی برای توضیح مکانیسم‌های دفاع روانی گسترش یافت. علاوه بر این، مدل تعاملی دوار او ارتباطی میان ایده یک دایره هیجانی و یک چرخ رنگ ایجاد می‌کند. مانند رنگ‌ها، هیجان‌های پایه را نیز می‌توان با شدت‌های مختلف بیان کرد و می‌توانند با یکدیگر ترکیب شوند تا هیجان‌های مختلفی ایجاد شود. (ر.ک: پلاچیک، ۱۳۷۱: ۱۱۷) کلیله و دمنه از جمله کتبی است که عنصر «گفتگو» جایگاه ویژه‌ای در آن دارد و نمونه بسیار مناسبی جهت تحلیل متن از دیدگاه کاربردشناسی است.

بحث

در علوم بلاغی علم معانی و موضوعات آن به بررسی اغراض پوشیده جملات می‌پردازد و با منظورشناسی گره می‌خورد. (ر.ک: Abdul Raof, 2006: 100) در دانش معانی، شکل‌ها و نمودهای گوناگون در جمله که می‌توانند رفتارها و کاربردهای هنری و شیوا سخنی به شمار

آیند بررسی می‌شود، به عبارت دیگر، «موضوع دانش معانی، دگرگونی‌هایی است که در ساخت و بافت جمله، همچون ابزار هنرورزی، روی می‌دهد و جمله را کارایی و شایستگی آن می‌دهد که در سروده یا نوشته‌ای ادبی به کار گرفته شود.» (کرازی، ۱۳۷۱: ۲۸) همچنین علم معانی دارای اصول و قواعدی است که رعایت آن‌ها به سخنران یا نویسنده امکان می‌دهد احوال گوناگون مخاطبان را باز شناسد و از مقام و موقعیت‌های گوناگون آگاه شود؛ کلام خود را منطبق و متناسب با آن احوال و موقعیت‌های متفاوت ایراد کند. (ر.ک: تفتازانی و دیگران، ۱۳۷۱: ۱۵۶).

بنابراین در این علم به مقام و جایگاه مخاطب توجه بیشتری می‌شود. «این اقتضا را، گنجایی فهم و هوش، یا نادانی و کند ذهنی شنونده، که از آن به «حال» تعبیر می‌شود، معین می‌نماید. مخاطب دانشمند، معنی بلند را در الفاظی کوتاه می‌پسندد و بدین جهت خواستار سخنان قصار و ایجاز است، لیکن اگر سفیه و کوتاه نظر باشد، خواهان سخنان مشروح و پردامنه بوده و بدین مناسبت اطباب را بیشتر می‌پسندد. پس اقتضای حال شنونده نخست، ایجاز و دومی اطباب است.» (رضانژاد، ۱۳۶۷: ۴۸).

گفتنی است که موقعیت مخاطب نقش فراوانی در شکل‌دهی جمله دارد و گوینده و نویسنده باید کلام خود را به نوعی شکل دهند که مخاطب هم آن را به خوبی بفهمد و هم آزرده نشود. در علم معانی سنتی، اهمیت را به گوینده می‌دهند حال آنکه در علم معانی جدید اهمیت، متوجه شنونده است که باید سخن را به مقتضای حال خود دریابد و اساساً اوست که متوجه معنایی ثانویه یا ضمنی جمله می‌شود (ر.ک: شمیسا، ۱۳۷۵: ۳۴).

بنابراین بررسی معنای ثانویه جمله در آثار ادبی بسیار مهم است. با توجه به تفاوت آراء در علم معانی می‌توان با استفاده از کاربردشناسی به دریافت دقیق‌تری از جمله و اغراض آن دست یافت، زیرا در کاربردشناسی، موضوع بافت در ارتباط با معنی موجود در متن بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد. کاربردشناسی می‌تواند بر ابهام معنی غلبه نماید زیرا بیشتر با تحلیل منظور افراد از پاره گفتارهایشان سر و کار دارد تا معنی آنها. (Archer, 2012: 6) به همین منظور در پژوهش حاضر با تلفیق نظریه کنش گفتاری و نظریه هیجانی پلاچیک (Plutchick) به تبیین باب شیر و گاو از منظر کاربردشناسی پرداخته شده است.

کنش های گفتاری

یکی از مهمترین نظریات کاربردشناسی، نظریه کنش های گفتاری است این اصطلاح به عملی گفته می شود که در نتیجه یک گفته عمدی رخ می دهد، (Austin,1962:107) زمانی که گفته ای تحریک آمیز و عمدی بیان می شود به قصد اینکه جریان یا کنشی را بیفتد صحبت از کنش گفتاری می کنیم. بر اساس نظریه کنش گفتاری چیزهای مختلفی وجود دارد که گوینده به واسطه انجام جملات و کلمات می تواند بیان نماید. این نظریه توسط آستین مطرح شد، طبق این نظریه وقتی گوینده جمله ای را بیان می کند، سه نوع کنش متفاوت و همزمان صورت می گیرد (Austin,1962:101) طبق این نظریه وقتی گوینده جمله ای را بیان می کند، سه نوع کنش متفاوت و همزمان صورت می گیرد. (Austin,1962:101)

الف) کنش بیانی ب) کنش منظوری پ) کنش تأثیری

کنش بیانی: در سطح اول کنش بیانی (ر.ک: یول، ۱۳۹۵: ۶۸) گوینده، وقتی به مخاطبش می گوید: «پنجره را باز کن» نخست، واژه های معناداری اظهار کرده یعنی کنشی انجام داده است که آستن از آن به «کنش بیان واژه های معنادار» تعبیر می کند.

کنش منظوری: علاوه بر کنش بیانی، گوینده با اظهار این جمله، امر کرده است یعنی اظهار او حاوی بار محتوایی امر است، به گونه ای که اظهار جمله البته با قیود و ویژگی هایی به معنای انجام کنش گفتاری امر است.

کنش تأثیری: اگر گوینده مخاطب را وادار کند که پنجره را باز کند، گوینده کنش سومی نیز انجام داده که عبارت است از تأثیری که بر مخاطب گذاشته است و این تأثیر از سخن او ناشی شده است. آستن این کنش سوم را کنش تأثیری نامیده است. (ر.ک: همان: ۱۰۱) بیان این نکته ضروری است که محور تحلیل در نظریه کنش گفتار، اغلب کنش منظوری است نه کنش تأثیری؛ تمایزی که آستن میان کنش بیانی و کنش منظوری قائل شده از جانب بعضی فیلسوفان از جمله سرل (Searl) نقد شده است. آستین (Austin) سطح دوم کنش های گفتاری یعنی کنش منظوری را به پنج دسته مختلف (اهداف کنش منظوری) تقسیم می کند:

حکمی: کنش های حکمی که بر التزام گوینده به حقیقت قضیه ای که بیان می شود تأکید

دارد مانند بیان کردن، اظهار کردن. (Austin,1955:152)

تحکمی: کنش‌های تحکمی بر اعمال اراده، قدرت، حق، حاکمیت و نفوذ دلالت دارد و با افعالی مانند انتخاب کردن، توصیه کردن، دستور دادن، منصوب کردن، پنددادن و بیان می‌شود. (Austin, 1955: 154)

تعهدی: کنش‌های تعهدی بر تعهد گوینده به انجام عملی دلالت دارد و گوینده با بیان آنها خود را به انجام دادن اموری مکلف می‌سازد و افعالی نظیر قول دادن، متعهدشدن، سوگند خوردن و غیره را شامل می‌شود. (Austin, 1955: 156)

رفتاری: کنش‌های رفتاری مبین انواع رفتارهای اجتماعی سخنگویان زبان است و افعالی مانند عذر خواستن، تشکر کردن، همدردی کردن، دشنام دادن، تحقیر کردن و مانند اینها در زمره این کنش‌ها هستند. (Austin, 1955: 159)

توضیحی: کنش‌های توضیحی عبارت‌اند از کنش‌هایی که به چگونگی کاربرد واژگان در زبان می‌پردازد و به عبارتی، توضیح و شرح می‌دهد که کلام چگونه در فرایند مکالمه سازمان می‌یابد. (Austin, 1955: 160) از این رو، کنش توضیحی شامل افعالی می‌شود که بخشی از فرازبان ما را تشکیل می‌دهند؛ از جمله این افعال عبارت‌اند از استدلال کردن، پاسخ دادن، فرض کردن، پذیرفتن و توضیح دادن (ر.ک: استرول، ۱۳۹۲: ۲۷۴) برخی نظریه‌پردازان نقدها و اصلاحاتی بر طبقه‌بندی آستن (Austin) وارد کرده‌اند. (Sperber, Wilson, 1993: 243)

از دیدگاه سرل (Searl) کنش‌های گفتاری به صورت مستقیم و غیرمستقیم نمایان می‌شود بدین معنی که وقتی گوینده به مخاطب می‌گوید «پنجره را ببند» از کنش گفتاری مستقیم استفاده کرده است و وقتی می‌گوید «هوا خیلی سرد است» و منظورش این است که مخاطب پنجره را ببندد، از کنش گفتاری غیرمستقیم استفاده کرده است، هرچند وجود شروطی ضروری است.

تقسیم‌بندی پنج‌گانه کنش‌های منظوری سرل

اظهاری: «هدف کنش‌های اظهاری بیان چگونگی امور است. در جمله‌های اظهاری، گوینده همچنان که گزاره‌ای را ارائه می‌دهد، وضعیت امور واقعی را در جهان جمله بازنمایی می‌کند به بیانی دیگر، گوینده جهان خارج را در اظهارات، ادعاها، نتیجه‌گیری‌ها و آنگونه که باور

دارد تصویر می کند». (Searl, 1976: 16) مانند «کلیده گفت که: در اصطناع گاو و افراشتن منزلت وی شیر را عاری نمی شناسم». (نصرالله منشی، ۱۳۸۱: ۸۰)

ترغیبی: «هدف در کنش ترغیبی واداشتن مخاطب به انجام یا ترک کاری است که می تواند در قالب التماس، درخواست، پیشنهاد یا فرمان صورت پذیرد. در این کنش گوینده می خواهد بین جهان خارج با وضعیت مطلوب خود، از طریق مخاطب مطابقت ایجاد کند». (Searl, 1976: 17) «مانند لکن به عقل خود رجوع کن و بدان که هر طایفه ای را منزلتی است و شاید بود که چون صورت حال بشناخت و فضااحت خود بدید بمکابره درآید، ساخته و بسیجیده جنگ آغازد یا مستعد و متشمر روی بگردان. و اصحاب حزم گناه ظاهر را عقوبت مستور و جرم مستور را عقوبت ظاهر جایز نشمرند». (نصرالله منشی، ۱۳۸۱: ۹۹)

تعهدی: «در جمله های تعهدی هدف گوینده موظف داشتن خود به تحقق بخشیدن کاری است که در محتوای گزاره ای بیان کرده است. گوینده با کنش تعهدی از طریق خود بین جهان خارج و وضعیت مطلوب خود مطابقت ایجاد می کند». (Searl, 1976: 18) مانند «اگر قربتی یابم و اخلاق او را بشناسم به اخلاص عقیدت پیش گیرم». (نصرالله منشی، ۱۳۸۱: ۶۶) عاطفی: «هدف کنش عاطفی بیان احساسات و حالت های روانشناختی و بیان دیدگاه هاست. در جمله های عاطفی، هدف گوینده بیان برخی حالت های روانشناختی درباره وضعیت اموری است که در محتوای گزاره ها بیان شده است در این کنش انطباق جهان و ذهن وجود ندارد» (Searl, 1976: 18) مانند «و امروز تدبیر از تدارک آن قاصراست و رای در تلافی آن عاجز، و زنبورانگبین بر نیلوفر نشیند و برایحت معطر و نسیم معنبر آن مشغول و مشعوف گردد تا بوقت برنخیزد و چون برگ های نیلوفر پیش آید در میان آن هلاک شود». (نصرالله منشی، ۱۳۸۱: ۱۰۵)

اعلامی: «هدف کنش اعلامی تغییر واقعی در جهان خارج از طریق گفتن چیزی است. در جمله های اعلامی هدف گوینده پدید آوردن وضعیت امور بیان شده در محتوای گزاره ایی است که به درستی انجام موفقیت آمیز کنش گفتاری منحصر است». (Searl, 1976: 18) بعد از بیان کنش های گفتاری اجمالا به پاره گفتار می پردازیم:

پاره گفتار

پاره‌ای از گفتار است که ابتدا و انتهای آن وقفه رخ می‌دهد. درحقیقت معنی شناسان برای مطالعه معنی به وجود سه سطح قایل شده‌اند. این سه سطح بر حسب ملموس بودن، انتزاعی بودن و انتزاعی تر بودنشان به ترتیب، پاره گفتار، جمله و گزاره نامیده شده‌اند. (صفوی، ۱۳۷۹: ۴۹) (وفایی، ۱۳۹۵: ۱۹۰) (Allot, 2010: 189) آنها عبارتند از:

پاره گفتار خبری: قصد اولیه و اصلی از ایراد جملات خبری، چنان که در دستور زبان گفته‌اند اخبار است یعنی منتقل کردن پیامی به مخاطب، اما از جملات خبری برای اغراض دیگر هم می‌توان استفاده کرد و این اغراض را می‌توان با انواع کنش‌های گفتاری توصیف کرد. (ر.ک: قهرمانی، ۱۳۹۶: ۲۱) مانند «درودگری کار هر بوزنه نیست». (منشی، ۱۳۸۱: ۷۱).

پاره گفتار پرسشی: غرض اصلی از پرسش طلب اخبار است مانند کدام یک از شما می‌دانید؟ اما گاهی برای تاثیر کلام به جای سایر انواع جملات از جمله پرسشی استفاده می‌کنند. مانند «مرد شبانگاه حاضر شده بود. کفشگر مست باز رسید، او را بر در خانه دید و پیش ازان بدگمانی داشته بود بخشم در خانه آمد و زن را نیک بزد و محکم بر ستون بست و بخفت. چندانکه خلق بیارامید زن حجام بیامد و گفت: مرد را چندین منتظر چرا می‌داری؟». (منشی، ۱۳۸۱: ۷۶) که در اینجا کنش گفتاری غیر مستقیم ترغیبی در قالب کنش پرسشی ادا شده است.

پاره گفتار امری: غرض اصلی از امر بنا به موقعیت گوینده نسبت به مخاطب تقاضا یا دستور است اما در داستان شیر و گاو به صورت عبرت آموزی به کار رفته است که در قالب کنش کلامی ترغیبی قرار می‌گیرد. مانند «گفت: مرا شیر فرستاده است و فرموده که ترا بنزدیک او برم، و مثال داده که اگر مسارعت نمائی امانی هم بر تقصیری که تا این غایت روا داشته‌ای و از خدمت و دیدار او تقاعدی نموده، و اگر توفقی کنی بالفور بازگردم و آنچه رفته باشد باز نمایم». (نصرالله منشی، ۱۳۸۱: ۷۳)

پاره گفتار عاطفی: این نوع پاره گفتار صورت مشخصی ندارد بلکه بر حسب معنا تشخیص داده می‌شود به این معنی که هر جمله‌ای را که بیانگر عاطفه و احساس گوینده باشد و به

قصده اخبار ادا نشده باشد جمله عاطفی می خوانند مراد از عاطفه و احساس مفاهیمی از قبیل اندوه و شادی و نفرین و آرزو و شگفتی است (ر.ک شمیسا، ۱۳۸۶: ۱۵۷).

مانند «دریغ شنزبه با چندان عقل و کیاست و رای و هنر. نمی دانم که در این کار مصیب بودم و در آنچه ازو رسانیدند حق راستی و امانت گزاردند یا طریق خائنان بی باک سپردند. من باری خود را مصیبت زده کردم و توجع و تحسر سود نخواهد داشت». (نصرالله منشی، ۱۳۸۱: ۱۲۳) برای دست یافتن بهتر به جنبه های معنی شناسی و کاربردشناسی کنش گفتاری، اغلب محققان از مدلی شناختی نام برده اند (ر.ک Van Dijk, 2010: 7) یکی از الگوهای که ما را در تحقق این رویکرد یاری می رساند مدل هیجانی پلاچیک (Plutchick) است که در ادامه مباحث به آن خواهیم پرداخت.

نظریه هیجانی رابرت پلاچیک

هیجان ها یا احساسات در روان شناسی معمولاً به واکنش های عاطفی، اشاره دارند. «هر هیجان از مؤلفه هایی برخوردار است: مثلاً مؤلفه شناختی به افکار، باورها و انتظاراتی است که نوع و شدت پاسخ هیجانی را تعیین می کنند مرتبط است. آنچه برای یک فرد فوق العاده لذت بخش است، ممکن است برای دیگری کسل کننده یا آزارنده باشد. مؤلفه فیزیولوژیکی شامل تغییرات جسمی در بدن است. برای مثال، هنگامی که بدن از نظر هیجانی به واسطه ترس یا خشم برانگیخته می شود، ضربان قلب زیاد می شود، مردمک ها بازتر می شوند و میزان تنفس افزایش می یابد. اکثر هیجان ها یک نوع انگیزندگی در دستگاه عصبی هستند. مؤلفه رفتاری، به حالت های مختلف ابراز هیجان ها اشاره می کند، مثلاً جلوه های چهره ای، حالت های اندام و حرکات بیابانگر و آهنگ صدا با خشم، لذت، شادی، غم، ترس و هیجان های دیگر تغییر می کنند. حرکات های چهره مهم ترین شکل ارتباط هیجانی هستند. بررسی های انجام شده نشان می دهند که برخی از جلوه های خاص چهره، ذاتی هستند؛ هیجان ها متشکل از الگوها، پاسخ های فیزیولوژیکی و رفتارهایی خاص هستند. در واقع غالباً از نظر مردم هیجان، همان احساسی است که به فرد دست می دهد؛ ولی هیجان یک رفتار است نه یک تجربه خصوصی، و پدیده ای است که در بقای نوع و تولید مثل نقش دارد. از علایم هیجان می توان به تپش قلب و بالا رفتن فشار خون اشاره کرد» (پلاچیک، ۱۳۷۱: ۱۴). نظریه فطری هیجان را

رابرت پلاچیک مطرح کرده است. براساس این نظریه هشت گونه هیجان اصلی وجود دارد که در تکامل و بقای آدمی دارای اهمیت هستند. به عقیده این پژوهشگر هیجان‌های دیگر، ترکیبی از این هشت گونه هیجان اصلی به شمار می آیند.

برای مثال، عشق ترکیبی از شادی و پذیرش است، تحقیر و توهین ترکیبی از خشم و بیزاری است. همان طور که این هیجان‌ها در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند، با هم متضاد هستند. (شکل ۱) پلاچیک هر یک از هیجان‌های اصلی را با کارکرد یا وظیفه مهم آنها برای بقای گونه‌ها، مانند تولیدمثل، جلوگیری از خطرات و آشنایی با محیط ارتباط می دهد؛ کارکردهای بنیادینی که برای بقای نوع لازم است. اجمالاً به بیان هیجان‌ات هشتگانه پرداخته می شود و نمونه‌ای از کلیله و دمنه برای تبیین آن آورده می شود و به تفصیل، مثال‌هایی از کلیله و دمنه در بخش بعدی بررسی خواهد شد:

ترس: ترس یک پاسخ غیر شرطی (غیر اکتسابی) به یک محرک بالقوه مخرب (معمولاً محرک درد مستقیم) است و اضطراب یک پاسخ ترس شرطی شده به یک موقعیت جدید است. گاهی ترس‌ها به محرک‌های موقتی خاصی مربوط می شوند، (مثلاً تولید صدای بلند، سقوط یک چیز، چهره‌های ناشناس و غیره) و گاهی ترس به صورت اضطراب‌هایی بروز می کند که ناشی از یک امر تخیلی و موهوم است (همچون: تاریکی، روح خبیث، احساس بدی و غیره). (ر.ک: پلاچیک، ۱۳۷۱: ۹۵).

به این جمله از کلیله و دمنه دقت شود: « سبب این آواز است که می شنوی نمی دانم که از کدام جانب می آید، لکن گمان برم که قوت و ترکیب صاحب آن فراخور آواز باشد. اگر چنین است ما را اینجا مقام صواب نباشد.» (نصرالله منشی، ۱۳۸۱: ۷۰) همانگونه که مشاهده می شود چون شیر خطر را احساس کرده است با استفاده از هیجان ترس می خواهد خود را برای نوعی رفتار اجتنابی آماده سازد.

خشم: هدف خشم این نیست که به فرد توانایی گریز از موقعیت‌های تهدیدآمیز و آزار دهنده را بدهد بلکه هدف، تخریب و یا عقب زدن آن موقعیت است (ر.ک: پلاچیک، ۱۳۷۱: ۹۷) خشم بیشتر اوقات در شرایطی به وجود می آید که به طرق گوناگون، موانع غیر قابل

تفوقی در راه رسیدن فرد به اهدافش ایجاد می‌شود. خشم به عنوان واکنشی در مقابل موانع مختلف بروز می‌کند و دارای ماهیتی زودگذر و آنی است (ر.ک: همان: ۱۰۳). بنابراین خشم هم مانند ترس ابزاری جهت اجتناب از موقعیت‌هایی است که فرد را در تفوق ناکام گذاشته است، با این تفاوت که فرد در خشم از ابزار تخریب استفاده می‌نماید. مانند: «می‌اندیشم که بلطایف حیل و بدایع تمویهات گرد این غرض درآیم و به هر وجه که ممکن گردد بکوشم تا او را درگردانم.» (نصرالله منشی، ۱۳۸۱: ۷۹) همانگونه که مشاهده می‌شود گوینده به سبب توقف رفتار بیرونی از هیجان خشم استفاده می‌نماید، به بیان دیگر دمنه در این جمله به منظور توقف محرک آزار دهنده (شنزبه) از هیجان خشم استفاده کرده است.

شادی: «شادی با عشق ارتباط بسیاری دارد» (پلاچیک، ۱۳۷۱: ۱۰۴). شادی موقعی ظاهر می‌شود که فرد به یک هدف عالی و ایده‌آل خود به طور ناگهانی و غیر قابل انتظاری دست یابد (ر.ک: همان: ۱۰۹) در عشق پیچیدگی‌های بیشتری نسبت به شادی وجود دارد. شادی زودگذر است ولی عشق اینگونه نیست. مانند: «فراق هر چه شادتر و زیباتر روی می‌نماید.» (نصرالله منشی، ۱۳۸۱: ۱۰۴) کامیابی دمنه در براندازی شنزبه سبب خرسندی او از موقعیتی است که در آن قرار دارد. لذا محرک مذکور به او احساس شادی می‌دهد.

انتظار: از دیدگاه پلاچیک (Plutchick) انتظار با نوعی رفتار اکتشافی همراه است. فعالیت ثابتی که ظاهرا در جهت برقراری تماس فرد با محیط و کسب اطلاع او از محیط اطراف خود عمل می‌کند که یک نوع الگوی اصلی رفتاری به نام رفتار اکتشافی است. اکتشاف غالباً به نام‌های دیگری مانند کنجکاوی، انتظار، پیش بینی و بازی ذکر می‌شود. از سوی دیگر حالات مختلف انتظار، ارتباط بسیار نزدیکی با مفاهیم یادگاری و شرطی شدن دارند. «ماهیت حالت انتظار و پیش بینی با احساس تعجب متناقض است. عاملی را که باعث تعجب می‌شود نمی‌توان از قبل پیش بینی کرد. یک ارگانیزم نمی‌تواند در یک لحظه معین نسبت به پدیده‌ای واحد هم حالت تعجب داشته باشد و هم انتظار.» (پلاچیک، ۱۳۷۱: ۱۲۷).

مثلاً در جمله «کلیله گفت: که ترا همان پیش آمد که پارسا مرد را.» (نصرالله منشی، ۱۳۸۱: ۱۱۴) بر موقعیت انتظار تاکید می‌شود و غالباً ذکر داستان‌های فرعی برای اثبات یا برآوردن عواطفی مانند انتظار، پیش بینی و پذیرش است که باید مجاب‌کننده و تاثیرگذار

باشند. انتظار عنصر مشترک چهار شخصیت اصلی داستان است زیرا عامل اصلی ترس سبب نوعی گوش بزنگی در بین آنها شده است. هشدارهای کلیده به دمنه، ترس دمنه از موقعیت-هایی که او برای آن، برنامه ریزی می نماید. ترس شیر به خاطر ازدست دادن قدرت و ترس شنزبه برای از دست دادن جان خود سبب شده است تا چهار شخصیت اصلی پیش بینی داشته باشند.

پذیرش: به طور کلی پذیرش از نگاه پلاچیک (Plutchick) با مورد قبول واقع شدن رابطه ای مستقیم دارد. این رفتار، نوعی رفتار اثباتی است. (ر.ک: پلاچیک، ۱۳۷:۱۱۶) مانند: «گفت: اگر قربتی یابم و اخلاق او را بشناسم خدمت او را به اخلاص عقیدت پیش گیرم و همت بر متابعت رای و هوای او مقصور گردانم و از تقبیح احوال و افعال وی بپرهیزم، و چون کاری آغاز کند که بصواب نزدیک و بصلاح ملک مقرون باشد آن را در چشم و دل وی آراسته گردانم» (نصرالله منشی، ۱۳۸۲: ۶۶) همانگونه که مشاهده می شود تاییدطلبی مرجع قدرت یعنی شیر، نوعی احساس لذت را در دمنه به وجود می آورد، این امر نشان می دهد که نیازهای هیجانی دمنه کاملاً برآورده نشده است.

اندوه: «آثار ناشی از کمبود و محرومیت را به طور کاملاً طبیعی می توان مشاهده کرد. اشکال مرضی و پایدار این آثار را مالیخولیا و یا روان پریشی ملال انگیز، و تظاهرات طبیعی آنان را به نام حزن یا اندوه نامیده اند.» (پلاچیک، ۱۳۷۱: ۱۱۰) مانند: «دریغ شنزبه با چندان عقل و کیاست و رای و هنر، نمی دانم که در این کار مصیب بودم و در آنچه ازو رسانیدند حق راستی و امانت گزاردند یا طریق خائنان بی یاک سپردند. من باری خود را مصیبت زده کردم و توجع و تحسر سود نخواهد داشت.» (نصرالله منشی، ۱۳۸۱: ۱۲۳) از دیدگاه روانشناسی، هرچه سازگاری فرد با محیط کاهش یابد به همان اندازه بر تنش های روانی وی افزوده می شود. (ر.ک: رضی، ۱۳۹۱: ۴۹) لذا فرد برای از بین بردن این تنش ها از نوعی مکانیسم دفاعی استفاده می نماید. در جمله ی فوق شیر برای کاهش احساس گناه خود از هیجان غم بهره گرفته است.

تعجب: «همه موجودات زنده در جریان زندگی خود به نحوی با محرک های جدیدی مواجه می شوند و در برخورد با چنین محرک هایی دچار تعجب می شوند و هنگامی که محرک

ارزیابی و شناسایی شد، احساس تعجب بسرعت به هیجان‌های دیگر بدل می‌شود، مثلاً اگر خطری در کار باشد تعجب به ترس تبدیل می‌شود.» (پلاچیک، ۱۳۷۱:۱۲۰) مانند: «چون شیر سخن دمنه بشنود معجب شد، پنداشت که نصیحتی خواهد کرد، روی بنزدیکان خویش آورد و گفت: مردم هنرمند با مروت اگرچه خامل منزلت و بسیار خصم باشد بعقل و مروت خویش پیدا آید در میان قوم، چنانکه فروغ آتش اگرچه فروزنده خواهد که پست سوزد به ارتفاع گراید.» (نصرالله منشی، ۱۳۸۲:۶۸) با توجه به بافت موقعیتی داستان نشان می‌دهد که دمنه به عنوان محرک نوظهوری سبب تعجب شیر شده است.

تنفر: «تنفر، در ساده ترین معنا عبارت است از حالتی که ذائقه را آزار می‌دهد و چون تنفر موجب رنجش می‌شود همراه با حرکاتی است که هدف آنها کنار زدن عامل آزار دهنده و یا محافظت فرد از آن عامل است. تنفر شدید به صورت حرکاتی در اطراف دهان بروز می‌کند. در این حالت، دهان کاملاً باز و لب بالا به شدت عقب کشیده می‌شود.» (پلاچیک، ۱۳۷۱:۱۱۷) مانند: «پس هر دو به‌نزدیک شیر رفتند. اتفاق را گاو بایشان برابر برسید. چون او را بدید راست ایستاد و می‌گرید و دم چون مار می‌پیچانید. شنزبه دانست که قصد او دارد و با خود گفت: خدمتگار سلطان در خوف و حیرت همچون هم خانه مار و هم خوابه شیر است، که اگر چه مار خفته و شیر نهفته باشد آخر این سر برآرد و آن دهان بگشاید. این می‌اندیشید و جنگ را می‌ساخت. چون شیر تشمر او مشاهدت کرد برون جست و هردو جنگ آغاز نهادند و خون از جانبین روان گشت.» (نصرالله منشی، ۱۳۸۱:۱۱۴) در این مثال می‌توان تنفر شیر و ترس و پذیرش شنزبه را دید گفتنی است که تفاوت تنفر با خشم در این است که علائم فیزیکی تنفر بیشتر از خشم آشکار می‌شود.

هیجان‌ات ترکیبی

چنان‌که ذکر شد پلاچیک (Plutchick) هشت هیجان اصلی را مشخص می‌کند و هیجان‌های ترکیبی را متشکل از این هشت هیجان اصلی می‌داند. از ترکیب هشت هیجان اصلی سه طبقه تشکیل می‌شود که به واسطه آنها حتی می‌توان ویژگی‌های شخصیتی یک فرد را دریافت. یکی از بهترین کاربردهای این نظریه، در تحلیل روانشناسی شخصیت‌های یک اثر روایی

است و از طریق جملاتی که شخصیت بیان می کند می توان به لایه های عاطفی و هیجانی او پی برد و این مطالب درباره راوی و نویسنده اثر نیز صدق می کند. از ترکیب هیجانات اصلی می توان به عواطف و هیجان های پیچیده ای دست یافت که در باطن هر کس می تواند وجود داشته باشد، چنانکه در صفحات پیشین دیده شد پلاچیک هیجان های اصلی و زیر مجموعه هایشان را در (جدول شماره یک) نشان داده بود. برای نمونه به چند جمله از کلیله و دمنه می پردازیم که از منظر این هیجانات ترکیبی به وجود آمده است، مثلاً از ترکیب ترس و غم احساس گناه پدیدار می شود. (ر.ک: همان: ۱۳۸).

مانند: «دریغ شنزبه باچندان عقل و کیاست و رای و هنر. نمی دانم که در این کار مصیب بودم و در آنچه ازورسانیدند حق راستی و امانت گزاردند یا طریق خائنان بی باک سپردند. من باری خود را مصیبت زده کردم» همچنین از ترکیب انتظار و پذیرش «تقدیرگرایی» پدید می آید (ر.ک: پلاچیک، ۱۳۷۱: ۱۳۹).

مانند: «و اگر بدسگالان این قصد بکرده اند و قضا آن را موافقت خواهد نمود دشوارتر، که تقدیر آسمانی شیر شرز را اسیر صندوق گرداند.» (نصرالله منشی، ۱۳۸۲: ۱۰۴) از ترکیب انزجار و انتظار «بدگمانی» به وجود می آید. (ر.ک: پلاچیک، ۱۳۷۱: ۱۱۷).

مانند: «با خود گفت: در امضای این رای مصیب نبودم، چه هر که بر درگاه ملوک بی جرمی جفا دیده باشد و مدت رنج و امتحان او دراز گشته.» (نصرالله منشی، ۱۳۸۲: ۷۲) از ترکیب پذیرش و تعجب، «کنجکاوی» پدید می آید. (ر.ک: پلاچیک، ۱۳۷۱: ۱۱۷).

مانند: «کلیله گفت: انگار که به ملک نزدیک شدی بیچه وسیلت منظور گردی و بکدام دالت منزلت رسی؟» (نصرالله منشی، ۱۳۸۲: ۶۵) هیجان «رشک» از ترکیب غم و خشم پدید می آید. (ر.ک: پلاچیک، ۱۳۷۱: ۱۳۹)

مانند: «چون دمنه بدید که شیر در تقریب گاو چه ترحیب می نماید و هر ساعت در اصطفا و اجتبابی وی می افزاید دست حسد سرمه بیداری در چشم وی کشید و فروغ خشم آتش غیرت در مفروش وی پراگند تا خواب و قرار از وی بشد.» (نصرالله منشی، ۱۳۸۱: ۷۴) در ادامه مباحث به بررسی جمله ها، کنش های گفتاری و هیجان های اصلی و ترکیبی در باب مذکور پرداخته می شود تا از طریق منظورشناسی به اغراض جمله ها دست یابیم.

تحلیل کنش های گفتاری - هیجانی چهار شخصیت اصلی باب شیر و گاو با تکیه بر نظریه هیجانی رابرت پلاچیک

در این قسمت ضمن دسته بندی و تفکیک بخشی از کنش های گفتاری چهار شخصیت اصلی، هیجان های شخصیت های مذکور مورد تحلیل قرار گرفته است:

بررسی کنش های گفتاری - هیجانی دمنه

هیجان ترکیبی	هیجان اصلی	کنش گفتاری	پاره گفتار	جمله
امید		اظهاری	خبری	دمنه گفت: مراتب میان اصحاب مروت و ارباب همت مشترک و متنازع است. هر که نفس شریف دارد خویشتن را از محل وضع بمنزلت رفیع می‌رساند، و هر کرارای ضعیف و عقل سخیف است از درجت عالی برتبت خامل گراید. (ر.ک: همان: ۶۸)
	شادی	ترغیبی	خبری	دمنه بدین سخن شاد شد و دانست که افسون او در گوش شیر موثر آمد، گفت: واجب است بر کافه خدم و حشم ملک که آنچه ایشان را فراز آید از نصیحت بازنمایند و مقدار دانش و فهم خویش معلوم رای پادشاه گردانند، که ملک تا اتباع خویش را نیکو نشناسد و براندازه رای و روییت و اخلاص و مناصحت هریک واقف نباشد از خدمت ایشان انتفاعی نتواند گرفت و در اصطلاح ایشان مثال نتواند داد. (ر.ک: همان: ۶۸)
	پذیرش	اظهاری	انشایی	و هیچ خدمتگار اگر چه فرومایه باشد از دفع مضرتی و جر منفعتی خالی نماند، و آن چوب خشک که براه افکنده‌اند آخر بکار آید، خلالی کنند تا گوش خارند، حیوانی که درو نفع و ضرر و ازو خیر و شر باشد چگونه بی‌انتفاع شاید گذاشت؟ (همان: ۶۸)
	غم	عاطفی	عاطفی	ای بذاذر، ضعف رای و عجز من می‌بینی؟ همت بر فراغ شیر مقصور گردانیدم و در نصیب خویش غافل بودم، و این گاو را بخدمت آوردم تا قربت و مکانت یافت و من از محل و درجت خویش بیفتادم

انزجار		تعهدی	خبری	بکوشم تا او را در گردانم،(ر.ک: همان: ۷۹)
پیش بینی		اظهاری	عاطفی	که اهمال و تقصیر را در مذهب حمیت رخصت نبینم و اگر غفلتی روا دارم بنزدیک اصحاب مروت معذور نباشم (ر.ک: همان: ۷۹)
خشم		اظهاری	خبری	چون دمنه بیدید که شیر در تقریب گاو چه تر حیب می نماید و هر ساعت در اصطفا و اجنبای وی می افزاید دست حسد سرمه بیداری در چشم وی کشید و فروغ خشم آتش غیرت در مفروش وی پراگند تا خواب و قرار از وی بشد. (ر.ک: همان: ۷۴)
	پذیرش	ترغیبی	انشایی	فایده تقرب بملوک رفعت منزلت است و اصطناع دوستان و قهر دشمنان؛ و قناعت از دناءت همت و قلت مروت باشد.(ر.ک: همان: ۶۲)
	ترس	اظهاری	خبری	دمنه دانست که اگر این سخن بر شنزبه ظاهر کند در حال برائت ساحت و نزاهت جانب خویشتن ظاهر گرداند دروغ و مکر او معلوم شود.گفت این باب از حزم دور باشد، و مادام که گفته نیامده است محل خیار باقی است، پس از اظهار تدارک ممکن نگردد.(ر.ک: همان: ۶۸)
کنجکاوی		ترغیبی	پرسشی	گفت: چگونه؟(همان: ۷۴)
کینه		اظهاری	خبری	دمنه گفت: در تقریب او مبالغتی رفت و بدیگر ناصحان استخفاف روا داشت تا مستزید گشتند، و منافع خدمت ایشان ازو و فواید قربت او از ایشان منقطع شد.(ر.ک: همان: ۷۴)
بدبینی		اظهاری	خبری	دمنه گفت: بدین معانی نشاید نگریست، که بنای کارهای بقوت ذات و استیلا یاعوان نیست، و گفته اند: و آنچه به رای و حیلت توان کرد بزور و قوت دست ندهد.(ر.ک: همان: ۸۱)
غضب		اظهاری	خبری	دمنه گفت: چنین است. لکن بمن مغرور است و از من ایمن، بغفلت او را بتوانم افکند. چه کمین غدر که از مامن گشایند جای گیرتر افتد.(ر.ک: همان: ۸۶)
ریا		اظهاری	خبری	هر سخن که از سماع آن شنونده را کراهیت آید بر ادای آن دلیری نتوان کرد مگر که بعقل و تمیز شنونده نقتی تمام باشد، خاصه که منافع و فواید آن بدو بازگردد.(ر.ک: همان: ۸۸)

چنانکه ملاحظه می شود پذیرش از هیجانان پایه ای دمنه است لذا او با امید هیجانان خود را آغاز می نماید، پلاچیک (Plutchick) اعتقاد دارد امید از ترکیب هیجانان انتظار و شادی به وجود می آید سپس دمنه با هیجان پذیرش آن را شکل می دهد این هیجان در قالب کنش گفتاری ترغیبی خود را نمایان می سازد. اما حضور شنزبه و ناکامی او از مورد پذیرش قرار گرفتن ناخودآگاه هیجان حسد را به وجود می آورد این هیجان زمانی پدید می آید که فرد مانعی را مقابل هیجان پذیرش مشاهده نماید بر اساس دیدگاه پلاچیک حسد از ترکیب غم و خشم به وجود می آید و این هیجان منشا تنفر و خشم دمنه می شود که در نهایت موجب محو شنزبه می گردد. آنچه که درباره دیالوگ های دمنه قابل تامل است بسامد بالای کنش های ترغیبی است که به صورت کنش غیر مستقیم بیان شده است هیجان غالب دمنه هیجان ترس و خشم می باشد. (جدول شماره دو)

بررسی کنش های گفتاری - هیجانی کلیله

هیجان ترکیبی	هیجان اصلی	کنش گفتاری	پاره گفتار	جمله
احتیاط		اظهاری. ترغیبی	خبری	ما بردرگاه این ملک آسایشی داریم و طعمه ای می یابیم و از آن طبقه نیستیم که بمفاوضت ملوک مشرف توانند شد تا سخن ایشان بنزدیک پادشاهان محل استماع تواند یافت. ازین حدیث درگذر، که هرکه بتکلف کاری جوید که سزاوار آن نباشد. (ر.ک: همان: ۶۱)
کنجکاوی		ترغیبی	پرسشی	کلیله گفت: این سخن چه بابت توست و ترا با این سوال چه کار (ر.ک: همان: ۶۱)
تسلیم		ترغیبی	امری	کلیله گفت: شنودم آنچه بیان کردی، لکن بعقل خود رجوع کن و بدان که هرطایفه ای را منزلتی است، و ما از آن طبقه نیستیم که این درجات را مرشح توانیم بود و در طلب آن قدم توانیم گزارد (ر.ک: همان: ۱۱۴)
ناامیدی		اظهاری	خبری	کلیله گفت: پادشاه بر اطلاق اهل فضل و مروت را بکمال کرامات مخصوص نگرداند، لکن اقبال بر نزدیکان خود فرماید که در خدمت او منازل موروث دارند و بوسایل

				مقبول متحرم باشند، چون شاخ رز که بر درخت نیکوتر و بارورتر نرود و بدانچه نزدیک تر باشد درآویزد (ر.ک: همان: ۶۵)
ناامیدی		ترغیبی	پرسشی	کلیله گفت: انگار که به ملک نزدیک شدی بچه وسیلت منظور گردی و بکدام دالت منزلت رسی؟ (ر.ک: همان: ۶۵)
پیش بینی		اظهاری. ترغیبی	خبری	و این مثل بدان آوردم تابدانی که عاقبت مکر نامحمود و خاتمت غدر نامحبوبست (ر.ک: همان: ۸۸)
تاسف		عاطفی	خبری	تو ای دمنه در عجز رای و خبث ضمیر و غلبه حرص و ضعف تدبیر منزلتی که زبان از تقریر آن قاصر است و عقل در تصویر آن حیران. و فایده مکر و حیلت تو مخدوم را این بود که می بینی و آخر وبال و تبعث آن بتو رسد. و تو چون گل دو رویی که هر کرا همت و صلت تو باشد دست هاش بخار گردد و از وفای تو تمتعی نیاید، و دو زبانی چون مار، لکن مار را بر تو مزیت است، که از هر دو زبان تو زهری می زاید (ر.ک: همان: ۸۸)

کلیله را می توان نمود یک والد بالغ برای دمنه نامید (شخصیت متقابل) این نظر از آن جهت است که اکثر پاره گفتارهای کلیله در قالب کنش های ترغیبی است پس خواننده با این قراین انتظار دارد که کلیله را در نقش یک «ناصح» بیابد اما با چرخه پلاچیک (Plutchick) می توان دریافت که اکثر این پاره گفتارها در قالب هیجان احتیاط و ترس می باشد که این هیجان در قالب سبکی دفاعی در برابر خطر نشان داده شده است (ر.ک: پلاچیک، ۱۳۷۱: ۱۳۵). هیجانان کلیله در نهایت هیجانان کلیله به غم منتهی می شود غمی که به سبب محرومیت هیجانی اش ایجاد شده است. پس هیجانان کلیله با احتیاط شروع و ادامه پیدا می کند و با غم پایان می پذیرد. غالب کنش های گفتاری کلیله ترغیبی است. اما هیجان پایه ای او احتیاط می باشد. در جایی که او از کنش های گفتاری اظهاری استفاده می نماید هیجان غالب، هیجان ترس می باشد. (جدول شماره سه)

بررسی کنش های گفتاری - هیجانی شیر

هیجان ترکیبی	هیجان اصلی	کنش گفتاری	پاره گفتار	جمله
	ترس	اظهاری	خبری	شیر می خواست که بردمنه حال هراس خود پوشانیده دارد، در ان میان شنزبه بانگی بکرد بلند و آواز او چنان شیر را از جای ببرد که عنان تملک و تماسک از دست او بشد و راز خود بر دمنه بگشاد و گفت: سبب این آواز است که می شنوی. نمی دانم که از کدام جانب می آید، لکن گمان... (ر.ک: همان: ۷۰)
کنجکاو		ترغیبی	پرسشی	شیر گفت: چگونه است آن؟ (ر.ک: همان: ۷۰)
بدگمانی		اظهاری	خبری	با خود گفت: در امضای این رای مصیب نبودم، چه هر که بر درگاه ملوک بی جرمی جفا دیده باشد و مدت رنج و امتحان او دراز گشته، یا مبتلا بدوام مضرت و... (ر.ک: همان: ۷۰)
ترس		اظهاری	خبری	شیر گفت آن را برضعیف حمل نتوان کرد و بدان فریفته نشاید گشت، که بادی سخت گیاهی ضعیف را نیفگند و درختای قوی را دراندازد (ر.ک: همان: ۷۲)
غرور		ترغیبی	امری	شیر فرمود که: اینجا مقام کن که از شفقّت و اکرام و مبرّت و انعام ما نصیبی تمام یای (ر.ک: همان: ۸۹)
کنجکاو		ترغیبی	امری	شیر گفت: وفور امانت تو مقرر است و آثار آن برحال تو ظاهر (ر.ک: همان: ۸۹)
	خشم	اظهاری	خبری	شیر گفت: سخن نیک درشت و بقوت راندی، و قول ناصح بدرشتی و تیزی مردود نگردد و بسمع قبول اصغا یابد. و شنزبه آنگاه که خود دشمن باشد پیدااست که چه تواند کرد و از وی چه فساد آید. و او طعمه منست و مادت حرکت او از گیاه است و مدد قوت من از گوشت. (ر.ک: همان: ۹۷)
احساس گناه		عاطفی	عاطفی	دریغ شنزبه با چندان عقل و کیاست و رای و هنر. نمی دانم که در این کار مصیب بودم و در آنچه ازو رسانیدند حق راستی و امانت گزاردند یا طریق خائنن بی باک سپردند. من باری خود را مصیبت زده کردم و توجه و تحسر سود نخواهد داشت (ر.ک: همان: ۱۲۳)

شیر شخصیتی است که بین دو هیجان ترس و خشم در رفت و آمد است. در ابتدای ماجرا او در ترسی جانکاه به سر می برد که بروز آن می تواند منجر به کاستن او شود اما ظرفیت

محدود او سبب فاش کردن علت ترس می شود. تدبیر دمنه گاو را مطیع او می سازد اما این توجه برای دمنه که هیجان پذیرش را اصلی ترین هیجان خود می پندارد گران تمام می شود و همانطور که شنزبه را مطیع شیر گردانید به همان سادگی نیز او را با شیر دشمن می گرداند. در هر دو صورت شیر از شنیدن خبر شنزبه می ترسد اما واکنش او به دو خبر متفاوت است بار اول در حالت دفاع هیجان ترس را انتخاب می نماید و بار دوم هیجان خشم را انتخاب می نماید چون در حالت تخریب است و شناخت بهتری نسبت به گاو پیدا کرده است کنش های گفتاری او بیشتر خبری و از نوع ایستا است که دلالت بر این دارد که شخصیتی مضطرب می باشد. چون هیجانها پایدار نیست بعد از ابراز خشم از عمل خود احساس پشیمانی می نماید و در نهایت هیجانهاش به احساس گناه ختم می شود. کنش های اظهاری بیشترین بسامد را در بین سایر کنش های کلامی داراست که این نشان از شخصیت پریشان شیر می باشد. (جدول شماره چهار)

بررسی کنش های گفتاری - هیجانی گاو

هیجان ترکیبی	هیجان اصلی	کنش گفتاری	پاره گفتار	جمله
	تعجب	ترغیبی	پرسشی	گاو گفت: کیست این شیر؟ (ر.ک: همان: ۷۳)
	ترس	اعلامی	انشایی	دمنه را گفت: اگر مرا قوی دل گردانی و از باس او ایمن کنی با تو بیایم. (ر.ک: همان: ۱۱۴)
	غم	عاطفی	خبری	گفت واجب نکند که شیر بر من غدر اندیشد، که از من خیانتی ظاهر نشده ست، لکن بدروغ او را بر من.... (ر.ک: همان: ۱۰۱)
	غم	عاطفی	خبری	و هنرمندان بحسد بی هنران در معرض تلف آیند (ر.ک: همان: ۱۰۴)
تقدیر گرایی		اظهاری	خبری	و اگر بدسگالان این قصد بکرده اند و قضا آن را موافقت خواهد نمود دشوارتر، که تقدیر آسمانی شیر شرزه را اسیر صندوق گرداند (ر.ک: همان: ۱۰۴)

پاره گفتارهای شنزبه در مقایسه با دیگر شخصیت ها از بسامد کمتری برخوردار است. یکی از مهمترین علل این امر را می توان به مطیع بودن محض شخصیت مذکور ربط داد.

شخصیت او در ابتدا با ترس از هیبت شیر دچار حیرت می شود و هیجانانگیز او رنگی اطاعتی به خود می گیرد. زمانی که او از زبان دمنه متوجه می شود که شیر قصد دراندازی او را دارد کنش های کلامی او به عاطفی مبدل می شود و هیجان غالب آن نیز غم می باشد. هیجان غالب شنزبه اطاعت و ترس می باشد که بنا بر نظریه پلاچیک (Plutchick) از ترکیب پذیرش و ترس ایجاد شده است. هیجانانگیز شنزبه در نهایت به تقدیر گرایی ختم می شود که از ترکی انتظار و پذیرش به وجود می آید. کنش غالب گفتار شنزبه خبری است. (جدول شماره پنج)

نتیجه

کنش های گفتاری وسیله ای جهت ایجاد ارتباط از طرق مختلف است که گوینده در جهت تهییج احساس مخاطب خود استفاده می نماید. اگرچه این کنش ها در پنج طبقه تقسیم بندی شده است اما هیجان انتقالی آن به مخاطب فراتر از طبقه بندی های مذکور است. لذا نویسندگان جهت بررسی دقیق تر کنش های گفتاری موجود در داستان شیر و گاو از نظریه هیجانی رابرت پلاچیک (Plutchick) بهره گرفته اند.

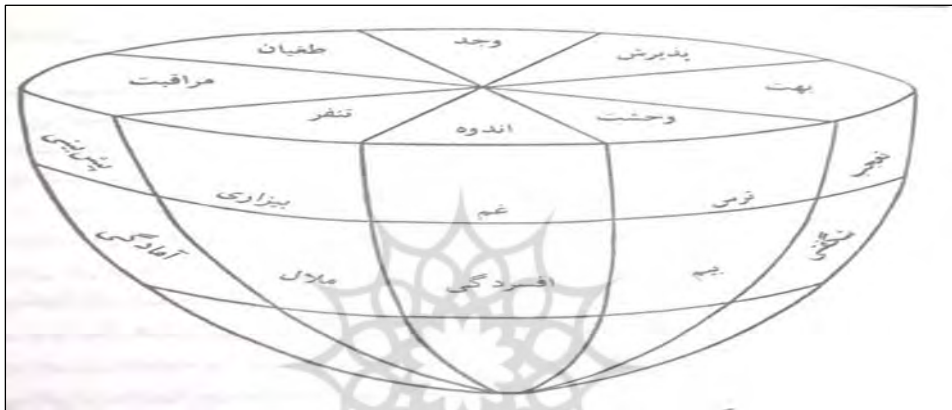
بررسی مولفه های تحلیل در داستان شیر و گاو نشان می دهد که نویسنده داستان به خوبی توانسته است همسو با موقعیت ها و ویژگی ها رفتاری شخصیت های داستان، هیجانانگیز آن را به مخاطب انتقال دهد.

در این بین، هیجانانگیز کلیده بابسامد غالب کنش های ترغیبی و اظهاری از هیجانانگیز ترس و احتیاط آغاز می شود و با هیجان غم به پایان می رسد. همچنین هیجانانگیز دمنه نیز در قالب کنش گفتاری ترغیبی و اظهاری با امید و پذیرش آغاز و با ریا ادامه پیدا می کند و با هیجان خشم پایان می پذیرد همچنین هیجانانگیز شیر نیز با ترس آغاز و با تنفر ادامه پیدا می کند و با هیجان احساس گناه پایان می پذیرد. هیجانانگیز گاو نیز در قالب کنش های اظهاری با اطاعت آغاز و با غم ادامه پیدا می کند و با هیجان تقدیرگرایی پایان می یابد.

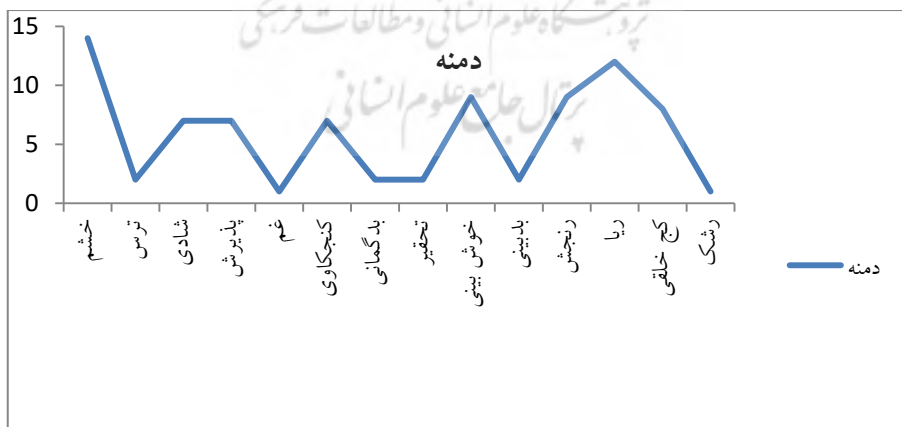
در این بین از ۷۹۸ جمله بهره گرفته شده است که از این تعداد ۴۸۲ پاره گفتار برای دمنه در قالب کنش گفتاری ترغیبی که با هیجان امید آغاز و با خشم و انزجار پایان می یابد، ۱۵۰ پاره

گفتار برای کلیله در قالب کنش گفتاری اظهاری است که با هیجان احتیاط آغاز و با هیجان غم پایان می یابد ۷۶ جمله برای شیر که با هیجان هراس آغاز و با هیجان غم پایان می یابد و ۹۰ پاره گفتار برای گاو می باشد در قالب کنش گفتاری اظهاری در قالب هیجان ترس آغاز و با تقدیر گرایی پایان می یابد.

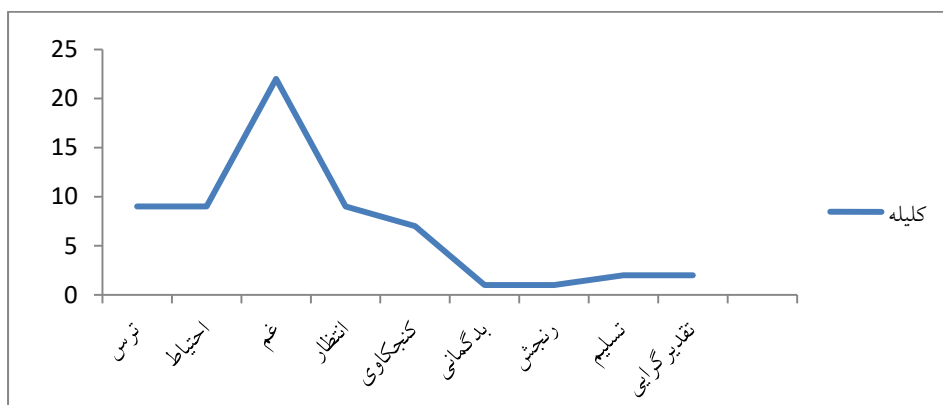
جدول شماره یک



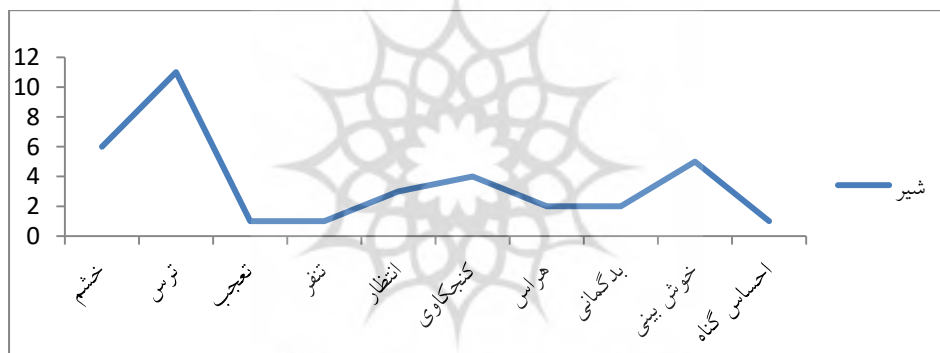
نمودار شماره دو



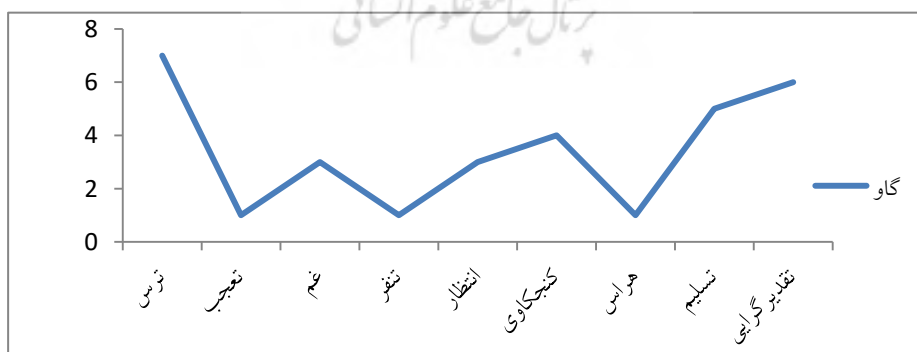
نمودار شماره سه



نمودار شماره چهار



نمودار شماره پنج



جدول آماری چهارشخصیت اصلی داستان شیر و گاو

نام شخصیت	تعداد پاره گفتار مورد بررسی	پاره گفتار غالب	کنش گفتاری غالب	هیجانات غالب
دمنه	۴۸۲	خبری	ترغیبی	امید- پذیرش- رشک - ریا - خشم
کليله	۱۵۰	خبری	ترغیبی	ترس- احتیاط- بدبینی- غم
گاو	۹۰	خبری	اظهاری	ترس- اطاعت - تقدیر گرایی
شیر	۷۶	خبری	اظهاری	ترس- بدگماتی- انزجار- احساس گناه



منابع

کتاب‌ها

۱. استرول، اورام (۱۳۹۲) *فلسفه تحلیلی در قرن بیستم*، ترجمه فریدون فاطمی، تهران: نشر مرکز.
۲. پلاچیک رابرت (۱۳۷۱) *هیجان‌ها*، حقایق، نظریه‌ها و یک مدل جدید، ترجمه محمود رمضان زاده مشهد: موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
۳. تفتازانی، مسعود بن عمر (سعدالدین) (۱۳۷۱) *شرح مختصر المعانی*، تالیف احمد امین، چ ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۴. شمسیا، سیروس (۱۳۷۵) *معانی*، چ ۴، تهران: نشر میترا.
۵. رجایی، محمد خلیل (۱۳۷۹) *معالم البلاغه*، چ ۵، شیراز: دانشگاه شیراز.
۶. رضانزاد، غلامحسین (۱۳۳۱) *اصول علم بلاغت*، در زبان فارسی، قم: انتشارات فاطمه زهرا.
۷. صفوی کوروش (۱۳۷۵) *معنی‌شناسی*، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری، پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی سوره.
۸. فتوحی، محمود (۱۳۹۱) *سبک‌شناسی*، نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها، تهران: سخن.
۹. کزازی، میرجلال‌الدین (۱۳۷۳) *زیباشناسی سخن معانی*، چ ۳، تهران: کتاب‌ماد.
۱۰. نصرالله‌بن محمد، منشی (۱۳۸۲) *کلیله و دمنه*، تصحیح و توضیح مجتبی مینوی طهرانی، تهران: انتشارات امیر کبیر.
۱۱. وفایی عباسعلی، سمیه آقابابایی (۱۳۹۵) *زبان فارسی علم معانی و دستور*، تهران: علمی.
۱۲. یول، جرج (۱۳۹۱) *کاربردشناسی زبان*، ترجمه محمد عموزاده و ایرج توانگری، تهران: سمت.

کتاب لاتین

13. Abrams.M.H, 2000. *A Glossary Of Literary Terms*.Pubby Holt. Rinehart.NewYork
14. Abdul Raof, Hussein. 2006. *Arabic Rhetoric,A pragmatic Analysis*.Routledge.

15. Allot, Nicholas. 2010. **Key Terms In pragmatics**. Continuum International Publishing Group.
16. Archer, Drawn. Aijmer, Anne Wichmann 2012. **Pragmatics**. ThoughtCo. Retrieved.
17. Austin, John. 1962. **How to Do Things With Words**. Cambridge (Mass.) paperback. Harvard University Press.
18. Black, Elizabeth. 2006. **Pragmatic Stylistics**. Edinburg University Press.
19. Burke .Michael. 2014. **The Routledge Handbook Of Stylistics**. Routledge. LO AND NEWYORK
20. Huang, Yan. 2017. **The Oxford Handbook of Pragmatics**. Oxford press.
21. Nogaard, Nina. Beatrix Busse, Rocio Montoro. 2010. **Key Terms in Stylistics**. Continuum International Publishing Group.
22. Sperber, Dan. Wilson. Deirdre. 1995. **Relevance Theory: Communication and Cognition**. Wiley-Blackwell.

مقالات

۲۳. امینی، محمد رضا (۱۳۸۸) بازنگری مبانی علم معانی و نقد برداشت‌های رایج آن، دوره شماره ۳، پاییز، صص ۷۶-۵۹.
۲۴. پهلوان نژاد محمد رضا، لیدا اصطهبانانی. (۱۳۸۵) بررسی کنش‌های گفتار در سخنرانی‌های روسای جمهور ایران و آمریکا نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، سال ۵۱، پاییز و زمستان، صص ۱-۲۲.
۲۵. رضی احمد و حاجتی سمیه (۱۳۹۱) تحلیل رفتار متقابل شخصیت‌ها در داستان شیر و گاو از کلیله و دمنه، پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی، دوره چهارم بهار، شماره ۱، صص ۳۹-۵۶.
۲۶. شیبانی مقدم و زهرا بیگم محسنی پور کله‌رود (۱۳۹۴) تحلیل سبک عبارت‌های فعلی کلیله و دمنه با رویکرد کاربردگرا. پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی، شماره ۲۲، صص ۱۶۳-۱۸۸.

۲۷. شیبانی مقدم. (۱۳۹۴) بررسی تأثیر تعلیمی معنای ضمنی و صریح افعال در کلیله و دمنه و مقامات حمیدی پژوهشنامه ادبیات تعلیمی سال هفتم زمستان، شماره ۲۸، صص ۱۶۵-۱۸۸.
۲۸. عمار مقدم داوود. (۱۳۹۶) آسیب شناسی کاربرد نظریه های مدرن در تدوین درسنامه های بلاغی، ادبیات پارسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال هفتم، شماره ۱، بهار ۲۹-۴۶.
۲۹. صیادکوه، اکبر (۱۳۸۵) جایگاه رعایت مقتضای حال و مخاطب در نظریه های ادبی سستی و نوین، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره بیست و پنجم پاییز، شماره ۳، پیاپی ۴۸، صص ۱۱۷-۱۳۲.
۳۰. قهرمانی علی و تواضعی رضا (۱۳۹۶) بررسی منظورشناختی افعال کنشی و قطعی در نهج البلاغه، فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش های نهج البلاغه، سال شانزدهم، صص ۹-۳۲.

مقالات لاتین

31. Mazid, Baha-Eddin, M (2009) **Date-palms, language and the power of knowledge. An analysis of a fable from Kalila and Dimna.** Journal of pragmatics. Volume 41. issue 12. 2515-2534.
32. Searl, John, R (1976) **A classification of illocutionary acts.** Language in society. Vol 5, No 1, April. PP1-23.
33. Van Dijk, Teun (2006) **A Toward an empirical Pragmatics .some social psychological speech acts.** philosophical, (27) 1:127_138.

Analyzing Speech act of Main four character of Kalila and Dimna's Lion and Ox Chapter Based on Robert Plutchik's Theory

Mehdi Taheri Asl¹, Dr. Alireza Nabi Lou²

Abstract

Pragmatism is subfield of linguistic which studies the implied meaning and the hidden intentions. Speech act is one of the main pragmatic theories that impacts on the both philosophy and literature. In the same line, speech act can be interpreted based on the useful theories. So, Authors suggest Plutchik's theory to do the exact interpret of speech acts. He considered there to be eight primary emotions — anger, fear, sadness, disgust, surprise, anticipation, trust, and joy. This article poses the relation between speech act and its characters emotions. The largest chapter Kalila and Dimna is Lion and Ox whose number of dialogues are striking. Explaining the history of pragmatic and speech act, Authors analyze the main four characters dialogues based on Plutchik's. The results show that in spite of high frequency of the directive and representative speech act, the different emotions are transmitted from Abulmaa'li to reader. Thus, while starting in hope and continues in prudishness, Dimna's speech acts is finished with anger. Also, As Kalila's speech acts are started in caution, his emotions continued in expectancy and finished with sorrow. Moreover, triggered with fear, lion's speech acts are continued with anger and gets finished with guilt. Finally, Ox's speech acts are started with fear and continued with submission and finished with fatalism.

Keywords: Pragmatism, Speech act, Kalila and Dimna, Plutchik's emotional wheel.

¹. PhD student in Persian language and literature, Qom University, Qom, Iran.

². Professor of Persian Language and Literature, Qom University, Qom, Iran.
(Responsible author)